

## استارت‌آپ‌ها عاملی برای شکوفایی بازار کار

یکی از چهره‌های شاخص ورزش آمریکا می‌گوید: "برنده شدن یکی از اهداف نیست، بلکه تنها هدف است". این جمله را می‌توان به ارتباط میان شکل‌گیری کسب و کارهای نوپا و ایجاد کار ارتباط داد. مجموعه‌ای از داده‌های گردآوری شده در ایالات متحده به نام "آمار کسب و کار پویا" یا به اختصار BDS، تایید می‌کند که استارت‌آپ‌ها زمانی که وارد مرحله رشد شده و به جذب نیروی انسانی می‌پردازند، یکی از عوامل چندگانه ایجاد فرصت‌های کار نیستند، بلکه اثر آن‌ها به قدری شدید است که می‌توان آن‌ها را تنها عامل اثرگذار بر ایجاد کار دانست.

می‌دانیم که شرکت‌های بزرگ و کوچک، به طور پیوسته و همزمان کارهایی را ایجاد کرده و یا از بین می‌برند. با این وجود باید توجه داشته باشیم که تغییرات کوچک سازنده یا مخرب مدل‌های اقتصادی در اقتصاد پویا نسبت به اقتصاد ایستا، تاثیر بسیار گسترده‌تری بر بازار کار دارند.

در هر صورت، فراتر از تغییرات کار در شرکت‌های موجود، یک پویایی در تولد شرکت‌ها وجود دارد که به نظر می‌رسد برای شناخت موضوع "ایجاد کار" به طور خاص، بسیار مهم است. این پویایی، همان تاثیر شرکت‌های جدید یا استارت‌آپ‌ها است. به سادگی می‌توان نشان داد که بدون استارت‌آپ‌ها، هیچ رشدی در شبکه‌ی شغلی در اقتصاد آمریکا وجود نخواهد داشت.

## بررسی تاثیر استارت‌آپ‌ها در توسعه‌ی کسب و کار

BDS اولین مجموعه‌ای از اطلاعات است که سن شرکت‌ها را هم شامل می‌شود. تصویر زیر، خلاصه‌ای از اطلاعات گردآوری شده در این مجموعه را ارائه می‌دهد. این اطلاعات نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که اولین سال تاسیساتشان را سپری می‌کنند، سهمی سه میلیونی از ایجاد فرصت‌های کار سالانه را دارند. شرکت‌ها با سنین و سوابق مختلف در جامعه آماری BDS بررسی شده‌اند؛ اما در این میان چیزی که استارت‌آپ‌ها یا شرکت‌های با سن صفر را شاخص می‌کند این است که آن‌ها فقط سازنده‌ی کار هستند؛ چرا که در این مدت، هیچ تجربه‌ای که در آن کار از بین برود را نخواهند داشت.

ممکن است پیش‌بینی کنیم که نرخ رشد شبکه‌ی شغلی در شرکت‌های موجود نیز مثبت باشد؛ اما اطلاعات ثبت شده نشان می‌دهد که در بیش‌تر سال‌ها این نرخ منفی بوده است. به ویژه، تصویر نشان می‌دهد که در طول سال‌های رکود اقتصادی، سطح ایجاد کار در استارت‌آپ‌ها ثابت است، درحالی‌که سایر شرکت‌ها اثری منفی به شبکه‌ی شغلی وارد می‌کنند که بر چرخه‌ی کسب و کار بسیار تاثیرگذار است. نکته‌ی بسیار مهم این است که شرکت‌های موجود بسیار متنوع هستند و در نظر گرفتن یک شرکت معمولی می‌تواند گمراه کننده باشد. به عنوان مثال، یک دسته‌بندی ساده از شرکت‌های موجود، این شرکت‌ها را به دو دسته‌ی شرکت‌هایی که از کسب و کار خارج می‌شوند (مرگ) و شرکت‌هایی که ادامه می‌دهند (بازماندگان)، تقسیم می‌کند. در حالت تعادل، شرکت‌های موجود، کارهای بیش‌تری را از دست می‌دهند نسبت به کارهایی که ایجاد می‌کنند؛ اما اگر برای یک‌بار مجموعه‌ی مرگ‌ها را کنار بگذاریم، بازماندگان معمولاً شغل‌های بیش‌تری نسبت به استارت‌آپ‌ها ایجاد می‌کنند و در میان بازماندگان، شرکت‌های به اصطلاح Gazelle قطعاً از اهمیت بیش‌تری برخوردارند. (شرکت‌هایی که رشد درآمدشان، در یک دوره‌ی چهارساله، حداقل ۲۰ درصد بوده یا به عبارت دیگر، بعد از یک دوره‌ی چهارساله درآمدشان دو برابر شده است)

وقتی در اقتصاد کلان، به جدول‌های BDS مراجعه می‌کنیم باید مراقب این نکته باشیم که دسته بندی‌ها براساس بنگاه‌ها تعریف می‌شوند و نه شرکت‌ها. از آنجایی که یک شرکت می‌تواند چندین بنگاه داشته باشد، ممکن است شرکت‌های فعال (که ممکن است مرگ یا تولد بنگاه‌ها را تجربه کنند) و بنگاه‌های فعال با هم اشتباه گرفته شوند. تمرکز ما روی شرکت‌ها است. بنابراین اطلاعات

BDS را با استفاده از جمع اعداد، دوباره بررسی می‌کنیم و برای جلوگیری از سردرگمی، اصطلاح "بازماندگان" را برای توصیف شرکت‌های فعال به کار می‌بریم.

## بررسی تفاوت تاثیر استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های با سابقه در ایجاد یا از بین بردن کار

در مجموع، خلاصه‌ای از اطلاعات جدید در تصویر نشان می‌دهد که شرکت‌های استارت‌آپی، در اکثر سال‌ها، باعث بوجود آمدن شغل‌های جدید هستند، در حالی که شرکت‌های موجود (که عمری بیشتر از یک سال دارند) معمولاً شغل‌ها را از دست می‌دهند. با نگاهی عادلانه، مزایای استارت‌آپ‌ها بسیار زیاد است؛ چرا که آن‌ها کاری را از دست نمی‌دهند، درحالی که بعضی از مشاغل ایجاد شده توسط شرکت‌های سال اولی، سال آینده قطعاً از بین خواهند رفت که فقط یک بررسی دقیق سالانه این موضوع را مشخص می‌کند. همچنین این تعداد مشاغل، مربوط به خود شرکت است، نه تاثیر آن بر شرکت‌های دیگر. آنچه تصویر نشان نمی‌دهد، اتفاقات و روندهای ناخوشایندی است که در دسته‌بندی شرکت‌ها از لحاظ سن آشکار می‌شود که این اطلاعات برای ما الهام بخش است. ما می‌خواهیم سال «گذار» را مشخص کنیم یعنی زمانی که شرکت‌ها نابودکننده‌ی کار می‌شوند و به دنبال پیدا کردن یک الگوی مناسب برای این اتفاق هستیم.

Haltiwanger و Jarmin و Miranda با مطالعه‌ی بنیادی داده‌های BDS، این داده‌ها را به تفصیل شرح می‌دهند و این برداشت را ارائه می‌کنند: "نرخ تولید سالانه‌ی کار حدود ۱۸ درصد است؛ یعنی در هر سال به طور متوسط، حدود ۱۸ درصد از کارها تازه ایجاد شده‌اند. حدود یک سوم از نرخ سالانه‌ی ایجاد کار، به دلیل ورود بنگاه‌ها است. نرخ بالای تولید کار، نرخ نابودی کار بالایی را هم به همراه خواهد داشت. نرخ نابودی کار به طور متوسط حدود ۱۶ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۱۶ درصد از کارهایی که یک سال پیش وجود داشته است، دیگر وجود ندارد. حدود یک سوم از این تخریب شغلی مربوط به خروج بنگاه‌ها است."

